



فتاویٰ
فرهنگی

حجت الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

تأثیر نماز در زندگی انسان

انسان به منظور دوستی و رابطه برقرار کردن با خداوند به این دنیا آمده است، خدایی که کمال و جمال بی‌نهایت است و نشست وپرخواست با او، انسان را اوج می دهد و آینه کمالات الهی می گرداند.

با اهمیت ترین کاری که در این دنیا با ب این دوستی را بازمی کند، نماز است. توجه به نماز می تواند زندگی انسان را عوض کند. توجه به نماز یعنی توجه به صاحب نماز، یعنی ذکر خدا که فرمود: «انا جلیس هن ذکرنی»، من هم نشین کسی هستم که مرا یاد می کند، آری نماز، هم نشینی با خداست و مسیر زندگی انسان را همین هم نشینی ها تعیین می کند و پیش می برد.

هر قدر انسان بخواهد به خود تلقین کند که گناه نکند و جلوی خود را در ارتکاب معاصی بگیرد، تا زمانی که خدا را دوست نداشته باشد و با خدا ارتباط برقرار نکند، این حقیقت برای او حاصل نمی شود. اینجاست که خداوند عالم می فرماید: اِنَّ الصَّلاهَ تَنْهٰی عَنِ الْفَحْشاءِ وَالْمُنْكَرِ، تافرق انسان نماز خوان وبنده تارک الصلّات در این باشد که یکی رابطه خود را با خداوند ولو در رگه ای حفظ می کند و دیگری

با وجود همه کمالات اخلاقی، از ارتباط با پروردگار دور است. گناهکار وقتی قصد معصیت کند، به یاد می آورد که با این لذت کوتاه و مقطعی، در حال عصیان در برابر پروردگار مهربان خود است و همین امر می تواند او را از گناه بازدارد. در این شرایط، یک سؤال وجود دارد که پس تکلیف آن هایی که نماز می خوانند اما گناهکار هم هستند، چیست؛ زیرا بسیاری کسانی که نماز می خوانند و حتی مقید به نماز اول وقت هستند اما بازهم در زندگی خود معصیت می کنند. مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر خود شرح می دهد که نماز خواندن با گناه نکردن، رابطه علت ندارد، بلکه رابطه زمینه ای دارد اما در هر حال، حتی اگر میان دو بنده گناهکار هم مقایسه کنید، انسانی که نماز می خواند و گناه می کند، در هر معصیت دچار تردید می شود و در خلال انجام گناه هم بی حودمرز عمل نمی کند اما انسان بی نماز در ارتکاب گناه، حودمرزی ندارد و هیچ چیز مایه بیداری نفس و تلنگر به وجدان او نمی شود. امام باقر^(ع) از وجود اقدس رسول خدا^(ص) نقل می کنند که عده ای نزد پیامبر^(ص) آمدند و سؤال کردند چرا نماز در هفده رکعت و پنج وعده سفارش شده است و اقامه آن به وقت و اندازه دلخواه، مجاز نیست؟ نبی مکرم اسلام^(ص) در پاسخ فرمودند: «مَثَلُ الصَّلَاةِ الْخَمْسِ كَمَثَلِ نَهْرٍ جَارٍ عَذَبُ عَلِيٍّ بِأَبِ أَخِيكَ يَغْتَسِلُ فِيهِ كُلُّ يَوْمٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ فَمَا يَبْقِي ذَلِكَ مِنَ الدُّنْسِ، یعنی مثال نمازهای پنج گانه همچون نه‌ری جاری است که اگر فردی روزی پنج بار خود را در آن غسل دهد و استحمام کند، هیچ آلودگی و پلیدی در جسم او باقی نمی ماند.

اما این شست وشو، به میزان توجه ما به خداوند در نماز بستگی دارد که فرمود نماز انسان را از فحشا و منکر دور می کند و نماز تو به اندازه ای که چنین تأثیری در تو ایجاد کند که تو را از فحشا و منکر دور کند، قبول است و راز این تأثیر، حضور قلب و خشوع در نماز است. راز این تأثیر، منقطع شدن از غیر او در نماز است. باید با تمام وجود در نماز به او رو کنیم تا او با تمام خدایی خود به ما رو کند و در احادیث آمده است: «بنده من! وقتی در نماز به من رو می کنی، من با تمام خدایی خود به تو رو می کنم تا اینکه توری دلت را از من برگردانی و متوجه چیز دیگری در نماز شوی.» از خداوند بزرگ می خواهیم که همه ما و خانواده ما را با اقامه نماز از زشتی ها و منکرات و گناهان دور کند و نماز ما را به نماز اولیای خود که سرچشمه تمام خوبی ها هستند، نزدیک بفرماید. ان شاءا...!

بردار و بخوان

اهمیت ورزش در قرآن

ورزش و تندرستی جزو موضوعاتی است که با هر فکر و اندیشه ای می توان به اهمیت آن اعتراف کرد. کتاب «اهمیت ورزش در قرآن»، اثر کی قباد جعفری و یونس کریمی و معین رحمانی فر، با هدف گشایش راه ورزشکاران، ورزش دوستان و سایر اقشار جامعه، آیاتی از قرآن کریم را که به اهمیت ورزش و نیرومندسازی جسم در کنار تقویت روح اشاره می کند، بررسی می کند.

نیاز به ورزش و تربیت بدنی نیرومند و قوی چه از جنبه دفاع شخصی یا کسب معاش و چه از نظر مقابله و رویارویی با طبیعت اطراف، از اولین روز خلقت بشر به خوبی حس می شود و در طول روز گاران، نیاز بشر به ورزش و تربیت بدنی انکارناپذیر بوده و هیچ گاه انسان، خودش را از آن بی نیاز ندیده است.

مسئله پرورش بدن، بعد از پیدایش اسلام دینی که پیروانش را به تربیت بدنی نیرومند و سالم تشویق می کند- رواج یافت و به منظور برخورداری از بدنی سالم در بین مسلمانان جایگاهی ویژه یافت.

این شعار که عقل سالم در بدن سالم است، مورد تأیید اسلام نیز هست؛ زیرا کسی که بدنی ضعیف و تربیت نشده داشته باشد، حتی در انجام واجبات دینی هم ناتوان است، چه برسد به اینکه بخواهد از حق مظلومی دفاع کند. در سیره رهبران دینی از جمله امام علی^(ع) به راحتی دیده می شود که قدرت بدنی را در راه درست و مسیر مثبت و نه در راه ظلم به دیگران صرف می کردند.

با بررسی تاریخچه ورزش در ایران، می توان دریافت که در میان کشورهای شرقی بدون شک ایران تنها کشوری بود که در نظام تعلیم و تربیت خود، تربیت بدنی و ورزش را در اولویت قرار داده بود، این درحالی است که چینی ها در آن دوره توجه چندانی به ورزش نمی کردند و هندوها نیز این کار را بیهوده می دانستند. اما ایرانیان، هم به منظور سلامتی و هم فراهم آوردن ارزشی سلحشور به ورزش اهمیت بسیاری می دادند. در گذشته های نه چندان دور، پهلوانان علاوه بر تربیت جسم جوانان به آن ها درس آزادی، انسانیت، تقوا و پرهیزگاری می آموختند و مسائل شرعی را نیز به آن ها یادآوری می کردند. امام خمینی (قدس سره) در جمع ورزشکاران و کارمندان تربیت بدنی درباره ورزش چنین فرمودند: «مملکت ما همین طور که به علما و دانشمندان احتیاج دارد، به این قدرت شماها هم احتیاج دارد. این قدرت وقتی با ایمان باشد، وقتی که زورخانه با قرآن باشد، با ایمان باشد، پشتوانه یک ملت است. وقتی قهرمانان اسلامی باشند، پشتوانه یک ملت هستند. بازوی یک ملت هستند. آنچه پشتوانه ملت است، پشتوانه اسلام است.»

در بخشی از کتاب «اهمیت ورزش در قرآن» می خوانیم: «پس از اینکه توبه اش پذیرفته می شود، به شکرانه این نعمت با خدای خویش پیمان می بندد که هیچ گاه پشتیبان مجرمان نباشد، یعنی با فرعونیان همکاری نکند و در کنار ستم دیدگان باشد. پس از این ماجرا، موسی^(ع) مجبور می شود از آن شهر بگریزد. وسیله نقلیه در اختیار ندارد و از طرفی باید به سرعت از شهر خارج شود.

پیاده به راه می افتد و آن قدر پیاده روی می کند که کفش هایش پاره می شوند. با پای برهنه و شکم گرسنه به راه ادامه می دهد و این راهپیمایی، هشت روز به طول می انجامد. وی برای رفع گرسنگی، از گیاهان بیابان و برگ درختان استفاده می کند. کم کم دورنمای شهر «مدین» در افق نمایان شده، موجی از آرامش بر قلب او می نشیند. وقتی نزدیک شهر مدین می رسد، گروهی از چوپانان را می بیند که برای سیراب کردن چهارپایان خود، بر سر چاهی اجتماع کرده اند و پایین تر از آن ها دوزن را می بیند که کناری ایستاده (اند) و از گوسفندان خود مراقبت می کنند. اما به چاه نزدیک نمی شوند. وضع این دختران که بسیار متین و باعفت نیز به نظر می رسند و در گوشه ای ایستاده اند و به آن ها فرصت استفاده از آب داده نمی شود، توجه موسی^(ع) را به خود جلب می کند. به سوی دختران رفته، می پرسد: «کار شما چیست؟ چرا پیش نمی رویید و گوسفندان خود را سیراب نمی کنید؟» می گویند: «ما گوسفندان خود را سیراب نمی کنیم تا چوپانان، همگی حیوانات خود را آب دهند و برونند و ما از باقی مانده آب استفاده کنیم.» موسی^(ع) پیش رفته، چوپانان را از سر چاه کنار زده، به آنان اعتراض می کند. وضع چاه به گونه ای بود که دارای یک سطل بزرگ بود که آن را چندین نفره از چاه، بالا می کشیدند و شاید دختران جوان نیز که کناری ایستاده بودند، به همین خاطر بود که نمی توانستند خود از آن چاه، آب بکشند و می بایست از آبی که چوپانان دیگر بالا می کشیدند و اضافه می آمد، استفاده می کردند».



شهر
اخبار
۱۳۷۱
شماره ۱۷
۱۳۳۵

۱۴



شهر
اخبار
۱۳۷۱
شماره ۱۷
۱۳۳۵

فتوت و جوانمردی

درباره فتوت و جوانمردی در قرآن و سیره اهل بیت^(ع)، نکات فراوانی وجود دارد و این بحث، دارای گستره ای پهناور است و همه فضایل اخلاقی را شامل می شود. گاه به معنای عام، فضیلت اخلاقی شمرده شده و در برخی مواقع به معنای اخص تعبیر شده است، برای مثال قرآن حضرت ابراهیم^(ع) را اسوه جوانمردان معرفی می کند یا آنکه از حضرت یوسف^(ع) به شخصیتی جوانمرد و دارای فتوت یاد می کند که در مسائل ناموسی، خویشتن داری کرد یا در اشاره به ماجرای اصحاب کهف، از آن ها به جوانمردانی تعبیر می شود که از حق دفاع کردند، «إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ، زمانی را به خاطر بیابور که آن جوانمردان به غار پناه بردند،

جوانمردی در سیره اهل بیت^(ع)

در روایتی که در محاسن برقی نقل شده و علامه مجلسی نیز آن را آورده، آمده است که فردی به امام رضا^(ع) گفت: به قدر جوانمردی خود به من بخشش کنید، حضرت فرمودند: این میزان در تو امان نیست. وی پاسخ داد: پس به اندازه جوانمردی من، عطا کنید. حضرت فرمودند: این مقدور است و به وی چندین دینار بخشیدند. این نقل نشان می دهد که فتوت و جوانمردی حضرات معصوم^(ع) به قدری است که در بسیاری از اوقات، نمی توان به آن جلوه بیرونی داد.

امام حسین^(ع) نیز در ماجرای کربلا تا جای ممکن کوشیدند با جوانمردی مقابل آن همه شقاوت رفتار کنند، اهل بیت امام^(ع) نیز چنین بودند، چنان که در مسیر اسارت با وجود آن همه اذیت و آزار، واکنش بدی نشان ندادند و فضایل اخلاقی را حفظ کردند تا برای آیندگان درس باشد. همچنین امام حسن^(ع) وقتی مرد شامی به ایشان نسبت های ناروا داد و فحاشی کرد، با کرامت برخورد کردند و بر اثر این رفتار امام^(ع)، آن فرد اظهار پشیمانی کرد و خجل شد و گفت: «خدا بهتر می داند رسالت را در کدام خاندان جوانمرد قرار دهد».

اهل بیت^(ع) با فتوت و جوانمردی در مقابل پلشتی ها، افشار و افراد را جذب می کردند، چنان که وقتی شخصی در حمام امام رضا^(ع) را شناخت و حضرت را به خدمت گرفت، امام^(ع) کلامی سخن نگفتند و با جوانمردی تا پایان به امور آن فرد رسیدگی کردند و این ها همه تحول آفرین بود.



حجت الاسلام والمسلمین پاک نیا در گفت وگو با شهرآرا:

امیر مؤمنان (ع) به جوانمردی معنا بخشید

آمنه مستقیمي^(ع) هفدهمین روز از ماه شوال، سالروز شکست تاریخی عمرو بن عبدود از حضرت علی^(ع) در جنگ خندق است که به این مناسبت، روز فرهنگ پهلوانی و ورزش زورخانه ای نام گرفته است. به مناسبت فرارسیدن این روز در گفت وگو با حجت الاسلام والمسلمین عبدالکریم پاک نیا، محقق و مؤلف سیره اهل بیت^(ع) و صاحب آثاری همچون «ویژگی های امام رضا^(ع)»، و «اندیشه های قرآنی امام جواد^(ع)»، مروری کرده ایم جلوه های جوانمردی و فتوت در سیره امیرالمؤمنین^(ع) و نیازی را که جامعه امروز به این ویژگی دارد.

علی بن ابیطالب^(ع)، اسوه جوانمردان

در غزوه احد در پی رشادت های امیرالمؤمنین علی^(ع) ندا آمد: «لا فتی الا علی، لا سیف الا ذو الفقار، جوانمردی جز علی^(ع) و شمشیری جز ذو الفقار نیست»، حضرت امیر^(ع) در این جنگ از خود جوانمردی بی نظیری نشان دادند و به تنهایی پرچم اسلام را در آن موقعیتی که همه درصدد ترک صحنه بودند، برافراشتند. کسی در فتوت و جوانمردی به پای امام علی^(ع) نمی رسد و درباره ایشان فتوت نامه های متعدد نوشته شده است. یکی از نشانه های جوانمردی ایشان این است که امام علی^(ع) به گفته های خود عمل می کردند، ایشان می فرمایند: «ای مردم، به خدا سوگند! من شما را به طاعتی وادار نمی کنم، مگر آنکه پیش از آن خود به آن عمل کرده باشم و از معصیتی بازمنی دارم، مگر آنکه خود آن را ترک کرده باشم»، (خطبه ۱۷۵)

امیرالمؤمنین^(ع) در جنگ احزاب چنان با عمر بن عبدود جوانمردانه جنگیدند که وقتی خواهر غمرو بالای جنازه او آمد، گفت: «افتخار می کنم برادرم با یک جوانمرد جنگیده است. هر شخص دیگری بود، لباس و اموال او را غارت می کرد، علاوه بر این، وقتی بعد از رحلت پیامبر^(ص) به بیت ایشان، حشم و همسرشان را مجروح کردند. امام علی^(ع) به خاطر نهال نوپای اسلام با وجود آن غیرت سرشار صبوری کردند، بنابراین در پاسخ به آن ها که شیعه را برای شیر خدا خواندن امام علی^(ع) تسخر می کنند، باید گفت: جوانمردی و کنترل خشم و غضب از ویژگی های مردان الهی است. حضرت امیر^(ع) در هنگام شهادت و جراحت به دست ابن ملجم، نیز وقتی برایشان شیر بردند، نیمی از آن را به قاتلشان که مجروح بود، دادند.

دادند و جانشان را بخشیدند. نسل جدید ما نیاز دارد که این اسوه ها و الگوها معرفی شوند. در گذشته بسیار بودند پهلوانانی که برای به دست آوردن دل مادر حریف خود، مقابل حریفشان شکست می خوردند.

متأسفانه در این عرصه ها، جهاد تبیین را به کار نگرفته ایم. اگر این آموزه ها را تبیین کنیم، مردم شیفته و واله می شوند، چنان که امام رضا^(ع) فرمودند: «اگر مردم زیبایی های سخنان ما را می شناختند، بی شک از ما پیروی می کردند.» مادر این زمینه خلأ داریم و جوانان و مردم نمی دانند باید از چه کسی پیروی کنند. اگر سیره اهل بیت^(ع) را به زبان روز برای اقشار مختلف مطرح کنیم، بسیاری از مشکلات ما حل می شود. اگر مردانگی و جوانمردی اهل بیت^(ع) را برجسته و معرفی کنیم، بسیاری از ناملایمات برطرف می شود، چون انسان به طور فطری با این فضیلت ها همراه می شود.

نشانه جوانمردی

سخنان امام علی^(ع) جملگی تجلی جوانمردی و فتوت است. ایشان در جایی می فرمایند: «سه چیز نشانه مروت، فتوت و جوانمردی یک انسان است، کارهای نیک را در جامعه رواج دهد(بسط معروف)، واکنش بدی نشان ندادند و فضایل اخلاقی را حفظ کردند تا برای آیندگان درس باشد. همچنین امام حسن^(ع) وقتی مرد شامی به ایشان نسبت های ناروا داد و فحاشی کرد، با کرامت برخورد کردند و بر اثر این رفتار امام^(ع)، آن فرد اظهار پشیمانی کرد و خجل شد و گفت: «خدا بهتر می داند رسالت را در کدام خاندان جوانمرد قرار دهد».

این روایات و اتفاقات در کتاب تاریخ به یادگار مانده است و گاه غافلانه از کنارشان می گذریم، درحالی که باید آن ها را معرفی و برجسته کرد و دستمایه خلق فیلم و سریال قرار داد، مثل ماجرای اصحاب کهف که قرآن فتوتشان را مثال می زند. امروز شهدا جلوه بارز فتوت و جوانمردی اند که باید سیره آن ها را معرفی و برجسته کنیم. همچنین باید جلوه هایی از ناجوانمردی دشمنان اهل بیت^(ع) و دین را نشان دهیم و بین حق و باطل مقایسه کنیم.

امروز به جوانمردی و فتوت از جنس آنچه در سیره اهل بیت^(ع) است، در زندگی هایمان بسیار نیاز داریم، به ویژه در میان مسئولان و مدیران که چشم همه مردم به آن ها است. باید شخصیت هایی که چنین رفتار و سیره ای دارند، معرفی شوند، همچون شهدایی که برای دین، امنیت و سلامت و... از خود جوانمردی نشان